



چگونه خدیجه (س) از رسول خدا (ص) خواستگاری کرد؟

حضرت خدیجه به دلیل کمالاتش خواستگاران زیادی داشت. چنانچه در برخی از روایات آمده است که افرادی چون ابوجهل، ابوسفیان، عقبه بن ابی معیط، صلت بن ابی یهاب به خواستگاری او آمدند...

حضرت خدیجه به دلیل کمالاتش خواستگاران زیادی داشت. چنانچه در برخی از روایات آمده است که افرادی چون ابوجهل، ابوسفیان، عقبه بن ابی معیط، صلت بن ابی یهاب به خواستگاری او آمدند...

به گزارش جام جم آنلاین، حضرت خدیجه به دلیل کمالاتش خواستگاران زیادی داشت. چنانچه در برخی از روایات آمده است که افرادی چون ابوجهل، ابوسفیان، عقبه بن ابی معیط، صلت بن ابی یهاب به خواستگاری او آمدند، اما او چون معیارهای ازدواج را در آنها مشاهده نمی کرد، حاضر به ازدواج با آنها نشد (1).

به گزارش جام جم آنلاین، هرچند این مطلب که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم سومین همسر خدیجه بود و جز عایشه با دوشیزه های ازدواج نکرد، نزد عامه و خاصه معروف است، ولی مورد تأیید همگان نیست. جمعی از مورخان و بزرگان، نظر مخالف دارند؛ برای مثال «ابوالقاسم کوفی»، «احمد بلاذری»، «علم الهدی»، (سیدمرتضی) در کتاب «شافی» و «شیخ طوسی» در «تلخیص شافی» آشکارا می گویند که خدیجه، هنگام ازدواج با پیامبر، «عذرا» بود.

این معنا را علامه مجلسی نیز تأیید کرده است. او می نویسد: «صاحب کتاب انوار البده» گفته است که زینب و رقیه دختران هاله، خواهر خدیجه بودند. برخی از معاصران نیز چنین ادعا کرده اند و برای اثبات ادعای خود کتاب هایی نوشته اند (2). با این حال، اکثر محققان معتقدند که او قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دو بار ازدواج کرده بود (3).

اکثراً بیان کرده اند که ماجرای ازدواج مبارک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و خدیجه سلام الله علیها از این جا شروع شد که بنا به پیشنهاد جناب ابوطالب، یا درخواست حضرت خدیجه سلام الله علیها، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به صورت اجیر یا به عنوان مضارب برای خدیجه به سفری تجارتي اقدام کرد (4).

در تاریخ ابن هشام است که می گوید: راستگویی و امانت و خوش خلقی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که زبان زد همگان شده بود، به گوش خدیجه سلام الله علیها نیز رسید و همین موجب شد که خدیجه سلام الله علیها خود به نزد آن حضرت فرستاد و پیشنهاد کرد که همراه کاروان به شام رود و برای او تجارت کند و در برابر، بیش از مزدی که به دیگران پرداخت می کرد، به آن حضرت بدهد.

به هر ترتیب که بود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم عازم سفر شام و تجارت برای خدیجه سلام الله علیها شد. وقتی میسر - غلام خدیجه سلام الله علیها - و محمد صلی الله علیه و آله وسلم از سفر پرسود شام برگشتند، غلام گزارش سفر را جزء به جزء به خدیجه سلام الله علیها داد و برایش تعریف کرد: وقتی به بصری رسیدیم، امین برای استراحت زیر سایه درختی نشست.

در این موقع، چشم راهبی که (نسطورا) در عبادتگاه خود بود، به امین افتاد. پیش من آمد و نام او را از من پرسید و سپس چنین گفت: این مرد که زیر درخت نشسته، همان پیامبری است که در تورات و انجیل درباره او مژده داده اند.

این جریانات، او را بیش از پیش مشتاق همسری با محمد صلی الله علیه و آله وسلم کرد. او درصدد برآمد تا به وسیله ای علاقه خود را به ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله وسلم به اطلاع آن حضرت برساند و از این رو به دنبال نفیسه که یکی از زنان قریش و دوستان خود بود فرستاد و به طور خصوصی درددل خود را به او گفت و از او خواست تا نزد محمد صلی الله علیه و آله وسلم برود و هرگونه که خود صلاح می داند، موضوع را به آن حضرت بگوید. نفیسه به نزد محمد صلی الله علیه و آله وسلم آمد و ازدواج با حضرت خدیجه سلام الله علیها را به ایشان پیشنهاد کرد و سرانجام ترتیب مجلس خواستگاری و عقد داده شد.

البته برخی از مورخان معتقدند که خدیجه خود موضوع را با «محمد امین» در میان گذاشت، و به گفته «ابن هشام» مورخ مشهور، به او گفت: «عموزاده من! به واسطه خویشاوندی که میان من و تو وجود دارد، و عظمت و احترامی که در نزد قوم خود داری، و امانت و خوی نیکو و راستگویی که در تو هست، می خواهم صریحاً به تو بگویم که مایلم به همسری تو درآیم» (5).

بعد از ازدواج، حضرت خدیجه سلام‌الله‌علیها اعلام کرد که تمام آنچه را دارد، به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌بخشد. به گواهی تاریخ ایشان حقیقتاً در عمل نیز گفتارش را به اثبات رساند.

پی‌نوشت

1. سید هاشم رسولی‌محلاتی، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام (جلد 2)، ص 16.
2. محمد محسن طبسی، مقاله «حضرت خدیجه مادر امت» برگرفته از نرم‌افزار مدینه‌النبی.
3. سید هاشم رسولی‌محلاتی، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام (جلد 2)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص 14-16.
4. سید هاشم رسولی‌محلاتی، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام (جلد 2)، ص 17.
5. سید هاشم رسولی‌محلاتی، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام (جلد 2)، ص 19-24.

منبع: مهرخانه